



این گرایش خود یکسان نیست متشکل است از دو خردادی های سابق و جریانی که تصور میکند با بلند کردن پرچم اصلاحات میتواند رژیم زن ستیز خشن اسلامی را به عدم سرکوب متقاعد کند، یعنی از

روی پراگماتیسم به اصلاح طلبی روی آورده است. رهبران این گرایش حتی به دست بوسی مجلس رفتند، جوایز خود را به خاتمی تقدیم کردند، چه شد؟ آیا موقعیت زنان سر سوزنی بهبود یافت؟ فعالین این گرایش با این سوال روبرو هستند: چه میزان سرکوب و خشونت از جانب رژیم اسلامی و چه میزان سر به سنگ خوردن موجب تغییر سیاست، بینش و روش شما میشود؟

گرایش دیگر درون جنبش حقوق زن رادیکالیسم و تغییر ریشه ای در وضعیت زنان را نمایندگی میکند. این گرایش ذره ای توهم نسبت به این رژیم و "اصلاح طلبی" در چهارچوب رژیم اسلامی ندارد. میدانند که زنان زیر سلطه این رژیم به ذره ای آزادی نخواهند رسید و معتقد است که تحولاتی که در وضعیت جامعه و زنان در چند سال اخیر رخ داده است، نتیجه مبارزات جنبش اعتراضی مردم، علی العموم و جنبش آزادی زن، علی الخصوص است. نزد این گرایش خاتمی و جنبش دو خرداد نه تسهیل کننده تغییر توازن قوا و تحولات در

آیا جنبش آزادی زن در ایران به یک روز همبستگی ایرانی نیاز دارد؟

22 خرداد و جنبش آزادی زن!

آذر ماجدی

در این روز عملاً دو تجمع شکل گرفت. یکی در مقابل سر در دانشگاه بمدت حدود یک ساعت که از زنان شرکت کننده مدام خواسته میشد آرام باشند. دیگری تجمع بسیار وسیع تری در پیاده روی مقابل و در حواشی دانشگاه که بمدت چند ساعتی بطول انجامید و زنان و مردان شرکت کننده در آن علیه رژیم اسلامی، آپارتاید جنسی و ستم بر زنان شعار دادند و با نیروهای سرکوب رژیم اسلامی درگیر شدند.

این دو تجمع و اعلام هواداری از کاندیدای دو خردادی توسط برخی فعالین حقوق زن بار دیگر نشان داد که جنبش حقوق زن از دو گرایش متمایز تشکیل میشود. یکی جنبشی است که دل به اصلاحات خوش کرده است و تصور میکند که قادر است با وجود جمهوری اسلامی در موقعیت زنان بهبودی قابل توجه ایجاد کند. جریانی که در سال 76 تا 78 چنین می اندیشید را شاید میشد درک کرد. اما پس از شکست و خاکسپاری دو خرداد، توسل به بخشی از رژیم برای ایجاد تغییر و اصلاحات نه تنها هوشیارانه نیست بلکه نابخردانه نیز هست.

سازمان دهندگان حرکت 22 خرداد 1384 این روز را سرآغاز فصلی نوین در جنبش حقوق زن میدانند. 22 خرداد 84 تجمعی در مقابل سر در دانشگاه تهران با مطالبه تغییر قانون اساسی بنفع زنان شکل گرفت. فعالین حقوق زن فضای مضحکه انتخابات رئیس جمهور را موقعیت مناسبی برای تجمع ارزیابی کرده بودند. از یک سو با این حرکت قصد داشتند بر نتیجه انتخابات تاثیر بگذارند و از سوی دیگر امید داشتند که رژیم اسلامی در این فضا به سرکوب تجمع مباردت نوزد.

در مورد اول اشتباه ارزیابی کرده بودند. کاندید بخشی از این فعالین، معین دو خردادی، از صندوق بیرون نیامد. مساله اینجاست که اگر بیرون هم نیامد، گلی بسر این جنبش نمیزد. رئیس ایشان آقای خاتمی 8 سال بر مسند قوه مجریه نشسته بود، و یک میلیمتر در وضعیت زنان تغییر داده نشد. لیکن این خاصیت جنبش های باصطلاح اصلاح طلب و پراگماتیست است که به هر نیمچه روزنه ای دخیل می بندند. متوهم اند و توهم می آفرینند.

وضعیت جامعه و زنان، بلکه برعکس واکنشی نسبت به جنبش اعتراضی و سرنگونی طلبانه مردم بودند. دو خرداد و خاتمی به این دلیل به میدان نیامدند تا وضعیت مردم را بهبود بخشند و جامعه را آزادتر کنند، آنها پیش از هر چیز آمدند تا در مقابل موج خروشان جنبش اعتراضی مردم بمنظور حفظ رژیم اسلامی سد ایجاد کنند. این تفاوت بینشی، سیاسی، روشی و در یک کلام جنبشی میان دو گرایش، دو افق کاملاً متفاوت را در مقابل جنبش آزادی زن میگذارد. اگر قرار باشد زنان حتی به نیمی از حقوق و مطالباتشان برسند، گرایش رادیکال باید بتواند افق خود را بر جنبش حقوق زن اعمال کند. افق اصلاح طلبانه محکوم به شکست است.

فعالین مبتکر حرکت 22 خرداد 84 تصمیم به تکرار این تجربه گرفتند. تجمعی "مسالمت آمیز" برای 22 خرداد 1385 در میدان 7 تیر فراخوان داده شد. این تجمع پیش از آغاز وحشیانه سرکوب شد. این حرکت نشان

دنباله در صفحه 4

زنگهای خطر را بصدا در آوریم!

شهلا نوری

Shahla.n@bredband.net



فقیر از دسترسی به رسانه‌ها و منابع اطلاعاتی کمک می‌کند تا سطح آگاهی عمومی در میان مردم افزایش پیدا نکند! بخصوص در کشوری تحت حاکمیت اسلام سیاسی که روابط جنسی خارج از ازدواج در آن ممنوع شمرده می‌شود و قربانیان اینگونه روابط خود مجرم محسوب می‌شوند.

در این میان در صد آسیب پذیری کودکان خیابانی به دلیل تن دادن به سوء استفاده جنسی بزرگسالان، برای امرار معاش و عدم آگاهیهای لازم از محافظت خود، نقش تعیین کننده ای در تبدیل شدن این بیماری به یک اپیدمی مرگبار دارد.

مجموعه این عوامل و عدم دسترسی این قربانیان به آموزشهای جنسی، بهداشتی و درمان رایگان در جامعه ایران و بخصوص در میان اقشار فقیر و تحت سلطه افرادی که نخستین اندیشه شان به دست آوردن لقمه نانی است برای نمردن از گرسنگی، باعث شده است که خطر اپیدمی شدن این بیماری زنگهای خطر را بصدا درآورد.

در شماره های بعد در مورد روشهای پیشگیری از ابتلا به بیماری ایدز و دیگر بیماریهای آمیزشی صحبت خواهم کرد و امیدوارم این اطلاعات و بحثها دستمایه ای باشد برای شما فعالان جنبش آزادی زن تا به میان اقشار آسیب زده جامعه رفته و از نزدیک اطلاعات لازم جهت پیشگیری را در اختیار آنها قرار دارید.



دادن شغل در صورت امتناع از ایجاد رابطه جنسی با مافوق خود هستند، همیشه در معرض خطر قرار دارند. فقر، سن شروع در ایجاد رابطه جنسی را پایین می‌آورد. خانواده‌های فقیر ممکن است، در نخستین فرصت ممکن، دختران خود را با استدلال "کم کردن نان خور اضافی" در سنین پایین وادار به ازدواج با مردانی کنند که با اختلاف سنی زیاد و تعدد روابط جنسی بیماری زای قبلی، بیماری را به همسران خود که در حقیقت در سنین کودکی بسر می‌برند منتقل کنند. از طرف دیگر معضل واقعی و قانونی، تحت نام ازدواجهای مکرر یا همزمان عامل شیوع ویروس اچ آی وی را چند برابر میکند. تأیید اجتماعی و قانونی ایجاد روابط متعدد جنسی برای مردان و واداشتن زنان به تمکین از چنین همسرانی که اغلب دارای بیماریهای آمیزشی متعددی هستند، ابتلا به ویروس ایدز را بالا برده است. از همه اینها درد آورتر احتمال حاملگیهای ناخواسته و بدون آمادگی برای زنان است. پیامدهای این نوع حاملگی بسیار زیانبار است و ممکن است به سقط جنین‌های غیربهداشتی و مرگ‌آور یا بیماری‌زا و یا تولد فرزندان بیمار، که کسی نمی‌خواهد یا نمی‌تواند مسئولیت پرورش و نگهداری از آنان را بپذیرد؛ بینجامد. تولد کودکانی که وارد چرخه فقر و مبتلایان به بیماری ایدز می‌شوند و شیوع بیماری را بصورت تصاعدي بالا می‌برند. تأیید اجتماعی و قانونی ایجاد روابط متعدد جنسی برای مردان و فقر و نابرابری اجتماعی به تداوم ناآگاهی و محرومیت زنان

رابطه با ایدز و نتایج مرگبار آن نادیده گرفته می‌شوند. ماه گذشته یک مقام ارشد سازمان ملل نسبت به افزایش درصد مبتلایان به ایدز در ایران هشدار داد. "سالازر" که رییس دفتر صندوق کودکان سازمان ملل (یونیسف) در ایران نیز محسوب می‌شود، خاطرنشان کرد، میزان ابتلا به ایدز در ایران با رشد سریعی مواجه شده و در بدترین حالت ما به سمت یک درصد یا حتی 1/9 درصد جمعیت در حرکت هستیم. بر اساس سرشماری سال 2006 جمعیت ایران 70 میلیون نفر است و از این تعداد 30 میلیون زیر 30 سال سن دارند.

افراد آسیب‌پذیر و ناقل احتمالی بیماری ایدز!

بر اساس آمار موجود درصد ابتلا به ویروس اچ آی وی در ایران به سرعت در حال رشد است و یکی از دلایل آن افزایش ورود هروئین ارزان قیمت می‌باشد. افراد معتاد که اکثراً در فقر مطلق بسر می‌برند، بلاجبار از سرنگ آلوده استفاده کرده و نه تنها از طریق تماس‌های جنسی متعدد، احتمال شیوع ویروس را افزایش می‌دهند. گاهی همسران معتادین بوسیله خود آنها مجبور به تن فروشی می‌گردند و امر تعدد روابط جنسی بدون کوچکترین آشنایی از عواقب دردآور آن، خود عاملی تعیین کننده در ابتلا هرچه سریعتر این قربانیان به بیماری ایدز می‌باشد. پدیده روز افزون فقر، بر احتمال واداشتن زن به برقراری روابط جنسی می‌افزاید. زنانی که با قرار گرفتن در مراتب پایین اجتماعی و تصدی مشاغل که زیردستی آنان را به همراه دارد، همواره در معرض تهدید به از دست

«ایدز» یا «نشانیان نقص اکتسابی ایمنی» در اثر ویروسی به نام اچ آی وی یا «ویروس نقص ایمنی انسان» به وجود می‌آید. از زمان ورود به بدن تا بروز ایدز ممکن است ۶ ماه تا ده سال و یا بیشتر طول بکشد در این مدت گرچه فرد به ظاهر سالم به نظر می‌رسد، اما ممکن است آن را به افراد دیگر منتقل کند.

اچ آی وی، ایدز پدیده ای بهداشتی است که ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی آن بسیار گسترده اند. از آغاز کشف اولین مبتلایان آن در خرداد سال ۱۳۶۰ تا کنون در سراسر جهان بیش از ۶۵ میلیون نفر مبتلا شده اند و حدود ۲۵ میلیون نفر محکوم به مرگ گشته‌اند. در حدود نیمی از کسانی که دچار ایدز هستند قبل از ۲۵ سالگی آلوده شده اند و بدون دارو اغلب قبل از ۳۵ سالگی می‌میرند. هر روز ۱۴۰۰۰ نفر جدید به مبتلایان اضافه می‌شود که نیمی زن هستند و نیز نیمی ۱۵ تا ۲۵ ساله هستند. زنان و دختران به دلایل زیستی، اجتماعی، فرهنگی اقتصادی و سیاسی بیش از مردان در معرض خطر ابتلا و آسیب ناشی از ایدز هستند. در کشور ایران تعداد افراد مبتلای ثبت شده حدود 150000 نفر است که حکایت از افزایش بیش از دو برابر بیماران در سال قبل را دارد و همچنین تخمین زده می‌شود که بین ۷۰ تا ۱۲۰ هزار نفر مبتلای ناشناخته در کشور حضور داشته باشند.

این در حالیست که در بسیاری از جوامع بخصوص جوامع اسلام زده صحبت و بحث درباره آموزشهای جنسی پذیرفته نشده و این نتیجه امر پیشگیری ابتلا به این بیماری و زندگی میلیونها انسان بویژه زنان و دختران در

به سازمان آزادی زن پیوندید

گزارش یک روزنامه پاکستانی از قاجاق زنان به کشورهای خلیج فارس

روزنامه پاکستانی "دان" نوشت: شهر کراچی مرکز ایالت سند در جنوب این کشور، مرکز ترانزیت قاجاق زنان از طریق کشورهای همسایه به کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس است. به گزارش ایونا، خبرگزاری زنان ایران، این روزنامه انگلیسی زبان به نقل از یک مقام آگاه افزود، زنان جوان پس از شناسایی از جنوب شرقی پاکستان خارج و به شکل‌های مختلف به کشورهای حاشیه خلیج فارس فرستاده می‌شوند. دان ادامه می‌دهد، این زنان اتباع کشورهای میانمار، بنگلادش و پاکستان هستند که در مناطق مختلف کراچی زندگی می‌کنند. این روزنامه افزود، دختران و زنان جوان براساس زیبایی و سن، تا ۴۰ گرم طلا معامله می‌شوند.

اعدام دو نفر در ملاء عام در مقابل چشمان مادر، همسر و خواهر

رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی در یک روز دست کم پنج نفر را در تهران، فردیس کرج و حصارک بدار آویخته است. دژخیمان رژیم اسلامی دو تن از این قربانیان را در ملاعام و در مقابل چشمان گریان مادر، همسر و خواهر آنها اعدام کردند.

دنباله اخبار در صفحه 7

اخبار این هفته

گردآوری و تنظیم: شراره نوری

قتل یک دختر 17 ساله به بهانه فساد اخلاقی

پسر جوان وقتی به همسر 17 ساله برادرش مظنون شد، او را به بهانه فساد اخلاقی به طرز فجیعی به قتل رساند. ساعت 30/18 بیست و دوم خردادماه، پسر 20 ساله ای به نام مهدی با مراجعه به کلانتری 18 روستای مومن آباد سمنان اظهار داشت، زن برادرش فاطمه را دو ساعت قبل به قتل رسانده است. او مدعی شد به فاطمه به خاطر مسایل اخلاقی سوء ظن داشته و این موضوع را چند بار به خود او نیز تذکر داده بود. وی ادامه داد، با عصبانیت در حالی که می‌دانستم برادرم نیست، به خانه اش رفتم و پس از وارد کردن چند ضربه چاقو به بدن فاطمه، وقتی او به حالت نیمه جان روی زمین افتاد، با دستم خفه اش کردم.

برادران باغیرت خواهرشان را کشتند

دو برادر متعصب جلو ورود مامورین اورژانس تهران به علت نامحرم بودن را گرفتند و باعث مرگ یکی از خواهران و آسیب مغزی خواهر دیگر شدند. آخر از این احمقانه‌تر هم ممکن است؟

مخالفت دادگاه آمریکا با حجاب اسلامی زنان پلیس

دادگاه فدرال آمریکا با استفاده از پوشش اسلامی توسط یک افسر زن پلیس ایالت فیلادلفیا به هنگام خدمت مخالفت کرد. به گزارش ایونا، به نقل از پایگاه خبری Philadelphia Inquirer، قاضی هاروی بارتل با رد درخواست کیمبرلی وب، افسر 44 ساله پلیس فیلادلفیا مبنی بر حفظ حجاب حین خدمت در حکمی اعلام کرد: "الباس واحد پلیس با اهدافی خاص طراحی شده است و پوشش اسلامی افسران زن پلیس مانع از تحقق این اهداف می‌شود."

هنوز در زندان است!



زنان زندانی در ایران به یک پدیده معمولی در ایران تبدیل شده اند. از سرنوشت بسیاری از این زنان امروز نه تنها جامعه ایران بلکه فعالین حقوق بشر نیز مطلع نیستند. جرم بسیاری از این زنان زیستن در ایران و زن بودن است. نظام آپارتاید جنسی رسماً و قانوناً ایران را به زندانی به ویژه برای زنان تبدیل نموده است. قوانین نابرابر، فقر، تنگدستی و تلاش برای برابری و یک موقعیت بهتر جرم اصلی بسیاری از این زنان است. چنانچه از سرنوشت زن یا زنانی در زندان خبر دارید ما را مطلع کنید تا منعکس کننده سرنوشت آنها باشیم.

هنوز در زندان است!

کبریا رحمانپور اکنون 26 سال دارد. بیش از 6 سال است که در زندان بسر می‌برد. وی در خانواده‌ای بسیار فقیر به دنیا آمد و هنوز جوان بود که از طرف مرد 53 ساله‌ای که قرار بود در صورت موافقت وی با او ازدواج کند مورد تجاوز قرار گرفت. به حکم دادگاه و سنت به عقد شرعی آن مرد درآمد. آن مرد پس از مدتی او را با مبلغ کمی پول در خیابان رها کرد تا به خانه پدرش برگردد. ولی او روی رفتن به خانه پدری را نداشت و میدانست که آنجا نیز جای زن به اصطلاح بی‌آبرویی چون او نیست. به خانه همسرش بازگشت ولی از آنجا که عروس مناسبی برای این خانواده نبود از طرف مادر همسرش مورد اعتراض و حمله قرار گرفت و در درگیری بین آنها مادر شوهرش کشته شد.

وی در دادگاه این قتل غیر عمد را دفاع از خود نامید اما در سال 1379 به اعدام محکوم شد. این

حکم اعدام باعث اعتراضات شدید در ایران و در سازمان‌های دفاع از حقوق بشر در سراسر جهان گردید. سازمان آزادی زن، کمیته علیه اعدام و کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان با مراجعه به مدیا و سازمان‌های حقوق بشر، با ملاقات با فعالین علیه اعدام در نقاط مختلف جهان و با پیشبرد کمپین‌ها و پتیشن‌ها (طومارهای اینترنتی) متعددی برای نجات جان او تلاش نموده اند. کبریا رحمانپور امروز به چهره‌ای محبوب در بسیاری از نقاط جهان تبدیل شده است. عکس وی بسر روی صدها سایت اینترنتی دیده می‌شود و تصاویر وی از دهها تلویزیون در جهان نشان داده شده است.

کبریا رحمانپور در زندان در شرایط روحی و جسمی سختی بسر می‌برد.

کبریا را فراموش نکنیم!

مطالعه آزادی زن را به دوستانتان نیز توصیه کنید!

از سایت آزادی زن دیدن کنید!

www.azadizan.com

ستم بر زن موقوف!

داد که جنایتکاران را نمیتوان با بلند کردن پرچم سفید و با قسم خوردن به مسالمت آمیز بودن و صلح طلب بودن اهلی کرد. از آن پس مباحثی میان فعالین حقوق زن در مورد روش های درست و غلط دفاع از حقوق زن شکل گرفته است. از اصلاح طلب بودن یا انقلابی بودن سخن میروید. از پاسیفیسم یا اکتیویسم صحبت میشود. جالب اینجاست که بنظر میرسد فعالین حقوق زن در ایران صرفاً با تکیه بر تجربه دو سه سال اخیر میخواهند راه یابی کنند، روش درست مبارزه برای حقوق زن را بیابند و یا دیگران را به این روش یا آن یکی متقاعد کنند.

گویی ماهیت رژیم اسلامی را با تکیه بر تجربه این دو سال باید ارزیابی و تحلیل کرد. تجربه دو خرداد گویی از یادشان رفته است. در اذهان مردم فاصله جشن پیروزی خاتمی و توهم به اصلاح طلبی او فقط دو سال طول کشید. ۱۸ تیر ۱۳۷۸ عملاً مهر پایان این توهمات بود. چیزی طول نکشید تا دو خردادای های مقوله "عبور از خاتمی" را طرح کردند و بالاخره دو سه سال بعد نیز به دست خود و به اعتراف خود دو خرداد را به خاک سپردند. آیا این تجربه کافی نیست تا به هشدارها و تحلیل های سخنگویان گرایش رادیکال گوش فرا دهیم. این همه پیگیری در تحمل شکست از کجا نشأت میگیرد؟

در تدارک ۲۲ خرداد ۸۶ فعالین جنبش حقوق زن بیانیه ای را صادر و به امضاء ۷۰۰ نفر، عمدتاً از فعالین جنبش ملی - اسلامی رساندند. در این بیانیه نیز بینش و روش تنگ و محدود "اصلاح طلبانه" حاکم است. توهم و توهم پراکنی در سطور این بیانیه بچشم میخورد. هنوز نقد متوجه یک بخشی از

حاکمیت است، هنوز به بخشی از نظام توهم وجود دارد. تلاش میشود که با ترساندن رژیم از رادیکالیزه شدن جنبش حقوق زن، آن را به تسلیم در مقابل تعدادی از خواست های زنان وادار کند. این بیانیه جنبش عظیم مردم برای سرنگونی را نادیده میگیرد. تلاش های فردی و یا جمعی زنان، بویژه نسل جوان در ایستادگی در مقابل رژیم را حاشیه ای میکند. این بیانیه چشم بر رادیکالیسم روز افزون در میان نسل جوان می

همانگونه که طی ده سال گذشته مکرراً گفته ایم، پاسخ مان به چنین توضیحات یا توجیهاتی چنین است: ما به روشنی دشواری های مبارزه تحت رژیم سرکوبگر و زن ستیز اسلامی را می شناسیم و درک میکنیم. ما بعنوان توریست به خارج نیامده ایم. از دستگیری و شکنجه و اعدام گریخته ایم. درک محدودیت های مبارزه در شرایط سرکوب و تلاش برای ترفیق درستی از کار مخفی و علنی یک مساله است، پذیرش



زن برای یافتن راه کارهای جنبش حقوق زن در جریان است مقولاتی چون اصلاح طلبی و انقلابی گری، خشونت یا مسالمت جویی در روش طرح میشود. اینها مباحثی اساسی و مهم اند. ما پیش از این به کرات در این زمینه صحبت کرده ایم. با کمال میل در این مباحث دخالت خواهیم کرد. اما بحث در مورد این مقولات را به نوشته ای دیگر واگذار میکنم. در این نوشته میخواهم به واقعه ۲۲ خرداد ۱۳۸۶ بپردازم. مبتکرین این تجمع روز ۲۲ خرداد را روز همبستگی زنان ایران خوانده اند. و قصد دارند که از این پس این روز را بعنوان یک روز همبستگی ایرانی گرامی بدارند. روشن است که میتوان هر روزی را روز همبستگی با یک جنبش و یا روز اعتراض و مبارزه نامید، تجمع کرد و برای حقوق خود مبارزه کرد. تا اینجا این مساله ایرادی ندارد. اما سوالی که مطرح میشود، اینست که آیا جنبش حقوق زن برای پیشرفت نیازمند یک روز همبستگی ملی است؟ آیا تعیین چنین روزی موجب ارتقاء این جنبش میشود؟

پاسخ من به هر دو سوال فوق منفی است. جنبش حقوق زن در ایران همچون جنبش حقوق زن در سطح بین المللی تاکنون همبستگی خود را روز ۸ مارس به نمایش گذاشته است. ۸ مارس تأکیدی است بر هم سرنوشتی زنان تحت ستم در سراسر جهان. علیرغم تفاوت های بعضاً فاحش در وضعیت زنان در کشورهای مختلف، یک جنبش آزادی خواه و برابری طلب در سطح بین الملل وجود دارد که در این روز ادعایمانه زنان علیه ستم را در سراسر جهان مطرح میکند. زنان و مردان برابری طلب در همه جا در این روز بانگ آزادیخواهی و برابری طلبی بر

این محدودیت ها بعنوان یک اصل و وفق دادن مطالبات و امیال جنبش مان با این محدودیت ها مساله ای دیگر. ما محدودیت ها را درک میکنیم ولی این محدودیت ها را نباید محملی برای محدود کردن افق مبارزه قرار داد، به توجیه شرایط پرداخت، نسبت به رژیم و اسلام توهم پراکنی کرد و تاریخ را وارونه نوشت. این استدلالات تلاشی برای جلوگیری از هر نوع نقد به محدودیت های جنبش اصلاح طلبانه و ملی - اسلامی است.

اخیراً در مجادلات و بحث هایی که در میان فعالین جنبش حقوق

بندد. نه این ایستادگی و مقاومت، که "صبر و تحمل" زنان را تحسین میکند.* (به پانویس رجوع شود).

حتماً این نقد از جانب برخی با توسل به سلاح پراگماتیسم و این استدلال که برای فرار از سرکوب چنین فرمولبندی هایی استفاده شده است، پاسخ میگیرد. حتی برخی از فعالین داخل کشور ما را متهم خواهند کرد که دشواری های تلاش و مبارزه برای دستیابی به حقوق زن در داخل کشور را درک نمیکنیم و تا آنجا پیش خواهند رفت که بگویند: "نفس تان از جای گرم بلند میشود." ما نیز

اسلامی هشدار میدهند که اگر با آنها کنار نیاید، جنبش رادیکال آزادی زن میدان دار خواهد شد و جامعه را زیر و رو خواهد کرد. باید به این دوستان گفت که جنبش اصلاح طلبی ملی - اسلامی یکبار این راه را پیموده و شکست خورده است. راه پیموده را پیمودن خطا است. این افق تنگ را کنار زنید. تامین حتی نیمی از مطالبات زنان به کنار زدن کامل رژیم اسلامی وابسته است.

نقل بخشی هایی از بیانیه مذکور:

"البته ما پیش بینی می کردیم به میزانی که خواسته های حق طلبانه زنان عمومی تر شود به همان میزان واکنش و محدودیت در برابر آن، از سوی برخی از صاحبان قدرت (که این خواست های عادلانه را با منافع خود در تضاد می بینند) گسترش خواهد یافت."

"بسیاری از زنان ایرانی صرفاً به دلیل تفاوت سلیقه در نوع پوشش خود نسبت به معیارهای شخصی برخی از مسئولان، امروز مورد هجوم نیروهای انتظامی قرار می گیرند. اکنون بر اساس گزارش های منتشره تعداد 14635 نفر در مناطق مختلف کشور بازداشت شده و 67 هزار نفر نیز به خاطر پوشش خود تذکر دریافت کرده اند. ابعاد این فاجعه در آن جاست که به نظر می رسد هدف چنین برخوردهای خشونت آمیزی، نهادینه کردن تدریجی ترس در دل زنان از حضور در فضای عمومی است، یعنی خانه نشین کردن زنان در ابعادی به وسعت مرزهای کشور."

> آیا نویسندگان این بیانیه خود بر این نظرند که حمله به "بدحجابان" از اختلاف سلیقه در نوع پوشش ناشی میشود؟ نزدیک به 30 سال است که این رژیم بخاطر حجاب به زنان

میکند 22 خرداد را بعنوان روز همبستگی تحمل، صبر و بردباری زنان و مسالمت جویی آنها در مقابل رژیم اسلامی علم کند. این تلاشی برای عقب نشاندن جنبش رادیکال و آشتی ناپذیر آزادی زن است. باید توجه داشت که حاکم کردن افق تنگ ملی - اسلامی و یا "اصلاح طلبانه ای" که هنوز به بخشی از حکومت امید بسته



است بر جنبش حقوق زن و اشاعه صبر، تحمل، بردباری و مسالمت جویی در این جنبش، نسخه ای است برای شکست.

این مساله که فعالین جنبش حقوق زن درست زمانی که 8 مارس توسط دوست و دشمن برسمیت شناخته شده و به یک روز آشنا برای مردم بدل شده است، تصمیم میگیرند که یک روز همبستگی ملی اعلام کنند، در گرامیداشت آن بر صبر، تحمل، بردباری و مسالمت جویی زنان تاکید کنند و در این روز تولد جنبش "مستقل" زنان از احزاب را تبریک گویند، بیانگر تلاش و جهت گیری آنها برای تحکیم افق تنگ "اصلاح طلبانه" ملی - اسلامی بر جنبش حقوق زن است. بنظر میرسد این دوستان دارند به رژیم اسلامی اعلام میکنند که مسالمت جویند، صبور اند، کم خواه و کم توقع اند و به رژیم

زن در ایران هم از نظر بین المللی و همبستگی بین المللی جنبش آزادی زن و هم از این رو که مهمترین و اولین اعتراض اجتماعی و گسترده زنان در ایران به قوانین اسلامی و حجاب در این روز شکل گرفته است، از نظر تاریخ جنبش آزادی زن در ایران سمبلیک و حائز اهمیت است.

بعلاوه این روز اکنون در ایران تثبیت شده است. بیش از یک دهه جنبش حقوق زن بعزت سرکوب خشن این روز را در خفاء برگزار میکرد. اکنون چندین سال است که جامعه ایران در این روز ملتهب است. در شهرهای مختلف مراسم 8 مارس برگزار میشود. از یکی دو ماه پیش از 8 مارس رژیم نیز به استقبال این روز میرود. برای عموم مردم ایران این روز شناخته شده است. بطوریکه سال گذشته رهبران جنبش ناسیونالیست پرو غرب و ملی - اسلامی مجبور به قبول این واقعیت شدند و روز 8 مارس را رسماً به زنان تبریک گفتند. این یک دستاورد جنبش آزادی زن است. و این دستاورد را باید پاسداری کرد.

بعلاوه این روز اکنون در ایران تثبیت شده است. بیش از یک دهه جنبش حقوق زن بعزت سرکوب خشن این روز را در خفاء برگزار میکرد. اکنون چندین سال است که جامعه ایران در این روز ملتهب است. در شهرهای مختلف مراسم 8 مارس برگزار میشود. از یکی دو ماه پیش از 8 مارس رژیم نیز به استقبال این روز میرود. برای عموم مردم ایران این روز شناخته شده است. بطوریکه سال گذشته رهبران جنبش ناسیونالیست پرو غرب و ملی - اسلامی مجبور به قبول این واقعیت شدند و روز 8 مارس را رسماً به زنان تبریک گفتند. این یک دستاورد جنبش آزادی زن است. و این دستاورد را باید پاسداری کرد.

بعلاوه این روز اکنون در ایران تثبیت شده است. بیش از یک دهه جنبش حقوق زن بعزت سرکوب خشن این روز را در خفاء برگزار میکرد. اکنون چندین سال است که جامعه ایران در این روز ملتهب است. در شهرهای مختلف مراسم 8 مارس برگزار میشود. از یکی دو ماه پیش از 8 مارس رژیم نیز به استقبال این روز میرود. برای عموم مردم ایران این روز شناخته شده است. بطوریکه سال گذشته رهبران جنبش ناسیونالیست پرو غرب و ملی - اسلامی مجبور به قبول این واقعیت شدند و روز 8 مارس را رسماً به زنان تبریک گفتند. این یک دستاورد جنبش آزادی زن است. و این دستاورد را باید پاسداری کرد.

بعلاوه این روز اکنون در ایران تثبیت شده است. بیش از یک دهه جنبش حقوق زن بعزت سرکوب خشن این روز را در خفاء برگزار میکرد. اکنون چندین سال است که جامعه ایران در این روز ملتهب است. در شهرهای مختلف مراسم 8 مارس برگزار میشود. از یکی دو ماه پیش از 8 مارس رژیم نیز به استقبال این روز میرود. برای عموم مردم ایران این روز شناخته شده است. بطوریکه سال گذشته رهبران جنبش ناسیونالیست پرو غرب و ملی - اسلامی مجبور به قبول این واقعیت شدند و روز 8 مارس را رسماً به زنان تبریک گفتند. این یک دستاورد جنبش آزادی زن است. و این دستاورد را باید پاسداری کرد.

جنبش ملی - اسلامی اما تلاش

بعلاوه این روز اکنون در ایران تثبیت شده است. بیش از یک دهه جنبش حقوق زن بعزت سرکوب خشن این روز را در خفاء برگزار میکرد. اکنون چندین سال است که جامعه ایران در این روز ملتهب است. در شهرهای مختلف مراسم 8 مارس برگزار میشود. از یکی دو ماه پیش از 8 مارس رژیم نیز به استقبال این روز میرود. برای عموم مردم ایران این روز شناخته شده است. بطوریکه سال گذشته رهبران جنبش ناسیونالیست پرو غرب و ملی - اسلامی مجبور به قبول این واقعیت شدند و روز 8 مارس را رسماً به زنان تبریک گفتند. این یک دستاورد جنبش آزادی زن است. و این دستاورد را باید پاسداری کرد.

بعلاوه این روز اکنون در ایران تثبیت شده است. بیش از یک دهه جنبش حقوق زن بعزت سرکوب خشن این روز را در خفاء برگزار میکرد. اکنون چندین سال است که جامعه ایران در این روز ملتهب است. در شهرهای مختلف مراسم 8 مارس برگزار میشود. از یکی دو ماه پیش از 8 مارس رژیم نیز به استقبال این روز میرود. برای عموم مردم ایران این روز شناخته شده است. بطوریکه سال گذشته رهبران جنبش ناسیونالیست پرو غرب و ملی - اسلامی مجبور به قبول این واقعیت شدند و روز 8 مارس را رسماً به زنان تبریک گفتند. این یک دستاورد جنبش آزادی زن است. و این دستاورد را باید پاسداری کرد.

بعلاوه این روز اکنون در ایران تثبیت شده است. بیش از یک دهه جنبش حقوق زن بعزت سرکوب خشن این روز را در خفاء برگزار میکرد. اکنون چندین سال است که جامعه ایران در این روز ملتهب است. در شهرهای مختلف مراسم 8 مارس برگزار میشود. از یکی دو ماه پیش از 8 مارس رژیم نیز به استقبال این روز میرود. برای عموم مردم ایران این روز شناخته شده است. بطوریکه سال گذشته رهبران جنبش ناسیونالیست پرو غرب و ملی - اسلامی مجبور به قبول این واقعیت شدند و روز 8 مارس را رسماً به زنان تبریک گفتند. این یک دستاورد جنبش آزادی زن است. و این دستاورد را باید پاسداری کرد.

خشونت علیه زنان موقوف!

دنباله از صفحه قبل

حمله برده است. اولین اعتراض اجتماعی مردم به رژیم بخاطر مساله حجاب بوده است. حجاب به شیشه عمر این رژیم و حمله به بدحجابان به بارومتر سیاسی جامعه بدل شده است و این دوستان از "اختلاف سلیقه" صحبت میکنند. اگر از سرکوب نگران اید بهتر است هیچ نگویید، تحلیلی ارائه ندهید، تا تحلیلی خلاف حقیقت و توهم آفرین ارائه دهید.

از این آزار دهنده تر این تحلیل است که میگوید "بنظر میرسد" حمله به زنان با هدف "نهادینه کردن تدریجی ترس در دل زنان" انجام میگیرد! این رژیم سمبل خشونت و ارباب است، مهمترین سلاح اش اعمال خشونت و ارباب است. 30 سال است با خشونت و ارباب و اعدام و شکنجه حکومت کرده است و آنگاه این دوستان در بیست و نهمین سالگرد تولد این رژیم تازه از تلاش برای نهادینه کردن ترس صحبت میکنند؟>

"ارتقاء آگاهی و گسترش مطالبات زنان و مقاومت مستمر و آرام آنان طی یک سال گذشته در جهت تداوم فعالیت های برابری خواهانه شان در قالب های نوین (به ویژه کمپین جمع آوری یک میلیون امضاء برای اصلاح و تغییر قوانین تبعیض آمیز) و تاثیر بلافصل این فعالیت ها و مقاومت ها بر تصمیم سازان مملکتی (برای نمونه مطرح شدن برابری دیه زنان و مردان در مجلس و طرح افزایش سن مسئولیت کیفری در قالب لایحه تشکیل دادگاه های اطفال) از پیروزی های درخشان و قابل ستایش حرکت رو به جلوی زنان و حاکی از قابل تحقق بودن خواسته های این کمپین مردمی است."

> درباره ارتجاعی بودن مطالبه برابری دیه در نوشته دیگری صحبت خواهم کرد. اما طرح این مطالبه در مجلس اسلامی را بعنوان "پیروزی های درخشان و قابل ستایش" زنان قلمداد کردن یا نشانه عدم درک ظرفیت ها و امیال و خواسته های جنبش آزادی زن است، یا تلاشی برای آرام کردن و تسلیم کردن این جنبش!<

"از یک سو به مسئولان کشور هشدار می دهیم که این برخوردها و خشونت های نابخردانه برخی از مسئولان امنیتی، کل جامعه را در معرض تنش شدید قرار خواهد داد."

(کلیه ایتالیک ها و تاکیدات از من است.)

آذر ماجدی



ارزیابی از جنبش حقوق زن اسلامی در مقابل اصلاح طلبی ملی - رادیکالیسم جنبش آزادی زن در حاشیه حرکت 22 خرداد

سخنرانی و پرسش و پاسخ در شبکه
پالتاک

سخنران
آذر ماجدی

روز: یکشنبه 24 ژوئن 2007

3 تیر 1386

ساعت: 8 شب بوقت اروپای مرکزی

9 و نیم شب بوقت تهران

2 بعد از ظهر بوقت شرق آمریکا

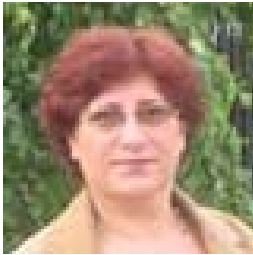
این فرصت را از دست ندهید!

خوانندگان عزیز و گرامی

از این به بعد سعی خواهیم کرد نشریه را بطور مرتب و با مطالب گوناگون در سطحی که قابل استفاده برای بسیاری از خوانندگان فارسی زبان باشد منتشر کنیم. برای هرچه پربارتر شدن نشریه دخالت و شرکت همگی شما نه تنها مطلوب ماست بلکه از نظر ما لازم و ضروری است. این نشریه متعلق به همه کسانی است که برای یک دنیای آزاد و برابر که در آن حقوق هیچ زنی و هیچ مردی پایمال نمیشود مبارزه میکنند و تا سرنگونی کامل و تمام عیار حکومت جمهوری ضد زن اسلامی از پای نمی‌نشینند.

در شماره آینده از جمله مصاحبه ای خواهیم داشت با چند جوان ساکن ایران در مورد اوضاع ایران، گفتگویی با پروین کابلی، دبیر اجرایی سازمان آزادی زن و ادامه مطلب بسیار خواندنی شهلا نوری در مورد ایدر. با ما تماس بگیرید، برایمان مطلب بفرستید و ما را از نظرات و به ویژه انتقادات خود مطلع کنید.

نه به حجاب، نه به بی حقوقی زنان



سازمان آزادی زن Women's Liberation - Iran

پروین کابلی در فستیوال همجنسگرایان در گوتنبرگ سوئد

روزهای 1 تا 3 ژوئن 2007 شهر گوتنبرگ محل برگزاری فستیوال هوپ ت بود. این فستیوال با هدف ایجاد شهری آزاد و باز برای همه، تلاش نمود که با برگزاری دهها جشن، گردهمایی، سمینار، پانل، نمایش فیلم، نمایشگاه‌های مختلف و شعر خوانی موقعیت اجتماعی، فرهنگی و جهانی همجنسگرایان و ترانسسکسول‌ها را در معرض دید عموم قرار دهد. همزمان با این فستیوال برای پنجمین بار فستیوال لزبین‌ها (زنان همجنسگرا) هم در روز جمعه با تم زنان همجنسگرا در جهان شروع به کار نمود.

روز شنبه دوم ژوئن در مدرسه عالی زنان پروین کابلی دبیر اجرایی سازمان آزادی زن با عنوان جنسیت و قدرت سیاسی در ایران در مورد موقعیت و حقوق زنان در ایران، قوانین جمهوری اسلامی در مورد همجنسگرائی و زنان لزبین در ایران صحبت نمود.

روز یکشنبه سوم ژوئن به دعوت فستیوال هوپ ت پروین کابلی سخنگوی کمپین بین‌المللی دفاع از حقوق زنان در ایران در پانلی در مورد حقوق پناهندگی و موقعیت همجنسگرایان در ایران شرکت نمود. در این پانل که 6 نفر دیگر از سازمانهای حقوق بشر و سازمانهای همجنسگرایان شرکت داشتند، پروین کابلی در مورد همجنسگرایان، ماهیت دوگانه حقوق بشر در اروپا و اعدام و زندانی کردن مردان و زنان همجنسگرا در ایران سخن گفت.

لازم به توضیح است که همزمان در این روز روزنامه یوتوبوری پستن مقاله‌ای با عنوان **سوئد همجنسگرایان ایرانی را به جهنم ایران برمیگرداند** منتشر کرد که در آن چهار نفر از فعالین جنبش همجنسگرایان حقوق بشر و اعدام همجنسگرایان در ایران را به تفصیل مورد بحث قرار دادند. چاپ این مقاله همزمان با برگزاری پانلی که بعد از ظهر همان روز برگزار گردید و حضور پروین کابلی در این پانل بار دیگر حقوق بشر، موقعیت زنان ایرانی در کل و به ویژه موقعیت همجنسگرایان در ایران را به یکی از بحث‌های اصلی این پانل تبدیل کرد.

سازمان آزادی زن

کمپین بین‌المللی دفاع از حقوق زنان ایران

5 ژوئن 2007

در شماره آینده مصاحبه با پروین کابلی در این مورد منتشر خواهد شد.

دنباله اخبار از صفحه 3

آمار تکانهنده خودکشی جوانان تحصیل کرده در ایران

به نوشته یکی از نشریات محلی اردبیل براساس آمار موجود طی سال 85 تعداد 890 نفر اقدام به خودکشی کرده و به یکی از بیمارستان های اردبیل انتقال یافتند. همین خبر حاکی است میانگین سنی این افراد 26 سال بوده و اکثر آنها از جمعیت شهری و تحصیل کرده بودند. صاحب نظران محلی مشکلات مالی، بیکاری و اختلافات خانوادگی را عوامل اصلی خودکشی جوانان استان اردبیل می دانند.

احضار نماینده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی به دادگاه

وکیل مدافع تعدادی از زنانی که در تجمع روز 22 خرداد 85 در میدان هفت تیر توسط مأموران نیروی انتظامی مورد ایراد ضرب قرار گرفته بودند، از احضار نماینده ناجا برای بار سوم به شعبه سوم بازپرسی دادرسی کارکنان دولت خبر داد.

گردآوری و تنظیم: شراره نوری

نه به نابرابری حقوق زن و مرد!

تعلیق عضویت ملالی جویا در پارلمان افغانستان



ملالی جویا به انتقاد صریح از مجاهدین سابق افغانستان که بخش زیادی از آنان عضویت پارلمان افغانستان را نیز دارند، شهرت دارد. او بعد از آنکه به شکل واضح علیه مجاهدین سابق در لویه جرگه افغانستان حرف زد و آنان را مسئول ویرانی های کابل نامید، در محور توجه افغانها قرار گرفت، تا آنکه در انتخابات پارلمانی افغانستان برنده شد. خانم جویا پس از آن نیز از جنجال برانگیزترین اعضای مجلس نمایندگان افغانستان باقی ماند. به دنبال تعلیق عضویت وی در چندین شهر افغانستان از جمله فراه، جلال آباد، کابل، تخار، هرات و بغلان هزاران تن دست به تظاهرات زده نسبت به اخراج وی اعتراض نموده اند.

رئیس سازمان آزادی زن
آذر ماجدی
azarmajedi@yahoo.com

سردبیر نشریه
پروین کابلی
(سردبیر موقت: اسماعیل اوجی)
parvinkaboli@yahoo.se

Tel: +46 707 744 020

دستیاران سردبیر

نیاز قاندی
اسماعیل اوجی

خانم جویا به اهانت به اعضای پارلمان افغانستان متهم شده است

مجلس نمایندگان افغانستان عضویت ملالی جویا، از جنجال برانگیزترین اعضای مجلس را به دلیل این که پارلمان افغانستان را "بدتر از یک طویله و باغ وحش" توصیف کرده بود، به حالت تعلیق درآورده

خانم جویا پیش از این در گفتگو با یک تلویزیون خصوصی گفته بود که "باغ وحش و طویله (اسطبل) بهتر از پارلمان افغانستان است."

تعداد زیادی از نمایندگان مجلس و نیز اعضای مجلس سنا نسبت به این اظهارات به شدت اعتراض کردند و آن را اهانت به خود تعبیر کردند.

پیش از آنکه اعضای مجلس نمایندگان در مورد ادامه کار ملالی جویا به عنوان عضو مجلس رای دهند، بخشی از این گفتگوی ویدیویی در مجلس پخش شد.

خانم جویا در این ویدیو می گوید: "طویله و باغ وحش هم بهتر از پارلمان ما (افغانستان) است، به خاطر اینکه در آنجا (در طویله) گاو است که شیر می دهد، خر است که بار می کشد، سگ است که نگهبانی می کند..."

واکنش جویا

ملالی جویا در واکنش به تصمیم مجلس نمایندگان افغانستان گفته است که او "به مبارزات" خود ادامه خواهد داد. خانم جویا در جواب به این سوال که او به اهانت به اعضای پارلمان متهم شده گفت که حرفهای او، "صدای ملت" افغانستان است و افزوده که او از حمایت مردمی برخوردار



WWW.azadizan.com

ناموس پرستی دو قربانی تازه گرفت

در شهر سنندج یک زن جوان 25 ساله و یک مرد 31 ساله به اسم کاوه محمدی به شکل فجیعی به قتل رسیدند. اجسادشان تکه تکه شده و سپس به آتش کشیده شده است. رهگذاران این دو جسد را در دوکارتن پیدا میکنند. جسد زن جوان در محله تکیه و چمن و جسد کاوه در حوالی کوه آبدر پیدا شده است. زن جوان هنوز رسماً شناسایی نشده است، تنها از روی لاک ناخن بر یکی از انگشتانش جنسیت او را متوجه شده اند.

طبق گزارشاتی که به سازمان آزادی زن رسیده است، این دو قتل بهم مربوط است. لذا گفته میشود که جسد زن جوان متعلق به دوست کاوه است. این دو نفر مدتی بوده که با هم رابطه داشته اند. کاوه متاهل بود. همسر کاوه از این رابطه مطلع میشود و به خانواده زن جوان اطلاع میدهد. آنگاه طبق این گزارش، خانواده های این دو تن با هم طرح این جنایات فجیع را ریخته و پیاده میکنند.

ناموس پرستی، عقب ماندگی خرافی و مذهبی هرروز جنایات جدیدی می آفریند. در گوشه و کنار دنیا زنان و دختران جوان و همچنین مردان بدست قاتلان ناموس به قتل میرسند. این قربانیان در دادگاه های خانوادگی توسط نزدیک ترین کسانشان، پدر، مادر، همسر، برادر یا عمو محکوم به قتل میشوند و چند تن از افراد خانواده اجرای قتل را بعهده میگیرند. این جنایات معمولاً به فجیعترین شکل انجام میشود. درست است که قربانیان اصلی ناموس پرستی مقتولین جوانی هستند که با شکنجه به قتل میرسند. اما قاتلان و تمام خانواده ای که در این دادگاه ناموس شرکت کرده اند عملاً قربانیان این عقب ماندگی، خرافات و دستگاه مافیایی مذهب اند.

باید دست اسلام و مذهب را از جامعه کوتاه کرد. باید با تمام قوا در مقابل این عقب ماندگی های خرافی ایستاد. در ایران جمهوری اسلامی پاسدار و مسئول اصلی تداوم این جهل و خرافه و این جنایت ضد بشری است. این رژیم ضد زن ناموس پرستی را تشویق میکند و اشاعه میدهد و در صورتی که "متخلفین" در دادگاه خصوصی محکوم نشوند، رژیم این جنایات را در بخش دولتی اجرا خواهد کرد. برای پایان دادن به این جنایات باید با این نظام ضد زن و تمام عقب ماندگی ها و خرافاتی که در جامعه اشاعه میدهد، مقابله کرد. مذهب زدائی از جامعه موثرترین راه مقابله با قتل های ناموسی است.

دست مذهب از جامعه کوتاه باید گردد

ستم بر زن موقوف

آزادی و برابری

سازمان آزادی زن

14 ژوئن 2007